

بازپژوهی رجال الکشی در لسان المیزان عسقلانی

مهدی آذری فرد^۱

حسین ستار^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴

چکیده

رجال الکشی با گزینش شیخ طوسی با نام اختیار معرفة الرجال، در اختیار ما قرار گرفته است. قراین حاکی است که گزینش طوسی به مفقود شدن پاره‌ای از محتوای رجال الکشی انجامیده است. گزارش‌هایی از نسخه گزینش شده، در برخی منابع پسین امامیه موجود است. از انبوه منابع اهل سنت تنها لسان المیزان عسقلانی از رجال الکشی مطالبی را نقل کرده، در حالی که اکثر گزارش‌های عسقلانی، در اختیار معرفة الرجال موجود نیست. برخی معاصران نظراتی را در این باره ارائه کرده‌اند که قابل تأمل است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو سؤال سامان یافته است: ۱. آیا نسخه‌ای از اصل رجال الکشی نزد عسقلانی موجود بوده؟ ۲. یا عسقلانی از منبعی غیر از رجال الکشی نقل مطلب کرده است؟ این جستار با روش تحلیلی و رویکرد کتابخانه‌ای با جمع‌بندی شواهدی به این گزاره متمایل شده که اصل رجال الکشی نزد عسقلانی بوده و او در لسان المیزان از آن استفاده کرده، ولی شواهد دست‌یافته، این مطلب را به طور کامل اثبات نمی‌کند. کلیدواژه‌ها: رجال الکشی، لسان المیزان، عسقلانی، شیخ طوسی.

۱. مقدمه

پس از رحلت پیامبر ﷺ، حدیث با حوادث غم‌آلودی مواجه گردید. در برهه‌ای با غلبه نظریه «حسبنا کتاب الله»^۳ نقل حدیث به سختی ممکن و کتابت آن ممنوع شد. برخی از

۱. دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (m.azarifard@gmail.com).

۲. عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (نویسنده مسؤول) (sattar@kashanu.ac.ir).

۳. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۶۱۲.

صحابه به علت نقل حدیث حبس شدند.^۱ در دوران خلافت معاویه نیز، علاوه بر سخت‌گیری نسبت به نقل حدیث،^۲ جعل حدیث به اوج خود رسید.^۳ همچنین در دوره‌های پسین، عواملی چون: نزدیکی به خلفاء، نصرت مذاهب، شهرت^۴ به میزان احادیث جعلی افزود. این حوادث سبب گردید تا جعلیات فراوانی به ذخایر حدیثی راه یافته و شناخت راویان حدیث به شکل بی‌واسطه امکان‌پذیر نباشد. در نتیجه، تشخیص صحیح از سقیم مشکل گردید و تنها شهادت‌ها بودند که به معرفی راویان می‌پرداختند. لذا در این عرصه، عالمان - که اصلی‌ترین شئون آنان مرزبانی از حریم دین است - برآن شدند تا اصولی را پایه‌ریزی کرده و علم رجال را بنا نهند و تألیفاتاتی را در این حوزه به رشته تحریر درآورند.

محور بحث ما در این مقاله رجال الکشی اثر محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی، از علمای امامیه (زیسته در قرن ۳ و ۴ هجری قمری) است. اصل این کتاب به دست ما نرسیده و آنچه که امروزه از آن موجود است، گزینش طوسی با عنوان «اختیار معرفة الرجال» است که شیخ آن را در سال ۴۵۶ ق، برای شاگردانش در نجف املا کرده است. گزینش طوسی جایگزین اصل کتاب شده و به مرور زمان اصل رجال الکشی از بین رفته است. قراین حاکی از آن است که گزینش طوسی به مفقود شدن پاره‌ای از محتوای رجال الکشی انجامیده است. اصل رجال الکشی در اختیار نجاشی و طوسی بوده است و گزارش‌هایی از نسخه گزینش شده طوسی نیز در برخی منابع پسین امامیه موجود است.^۵ جستجوی نویسندگان این مقاله نشان داد از انبوه منابع اهل سنت، تنها عسقلانی در لسان المیزان مطالبی را از رجال الکشی نقل کرده است. این در حالی است که اکثر گزارش‌های عسقلانی، در کتاب اختیار کنونی موجود نیست. برخی پژوهش‌گران معاصر دیدگاه‌هایی را در این خصوص ارائه کرده‌اند که قابل تأمل و بررسی است. برای اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو سؤال است، ۱. آیا نسخه‌ای از اصل رجال الکشی نزد عسقلانی موجود بوده است؟ ۲. یا عسقلانی از منبعی غیر از رجال الکشی نقل مطلب کرده است؟ این جستار با روش تحلیلی و رویکرد کتابخانه‌ای به بررسی احتمالات مختلف در این باره پرداخته و با جمع‌بندی شواهد به این گزاره متمایل شده که

۱. تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۹-۱۲؛ تأویل مختلف الحدیث، ص ۴۲.

۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۱۸.

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۳.

۴. تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۲۸-۴۸.

۵. خلاصة الأقوال، ص ۲۵-۳۵؛ رجال ابن داود، ص ۷۷، ۱۰۰ و ۴۳۷.

اصل رجال الکشی نزد عسقلانی بوده و او در لسان المیزان از آن استفاده کرده، ولی شواهد دست یافته این مطلب را به طور کامل اثبات نمی‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

رجال الکشی از اصول اولیه رجالی و مصدري مهم برای رجاليون امامیه است. از این رو، پژوهش‌گران حول محور آن آثار ارزشمندی را به سرانجام رسانده‌اند. از این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله «جستاری در اختیار معرفة الرجال»، اثر بهارزاده در سال ۱۳۸۳ش، که نویسنده در آن به معرفی کشی و رجالش پرداخته و برخی شواهدی را که حاکی از تفاوت میان رجال الکشی و اختیار کنونی است، بیان نموده است و نیز مقاله «عوامل اختلاف در گزارش‌های رجال الکشی»، اثر شمشیری و جلالی در سال ۱۳۹۹ش، که در آن به بررسی و عوامل شکل‌گیری روایات متعارض مدح و ذم درباره برخی راویان در رجال الکشی پرداخته شده است. همچنین کتاب آشنایی با کتب رجالی شیعه، اثر رحمان ستایش که نویسنده در بخشی از این کتاب به معرفی کشی و رجالش پرداخته و اطلاعات مفیدی را در این باره ارائه داده است، اشاره کرد.

آنچه که بیشتر در آثار فوق به آن پرداخته شده، توجه به قرآینی است که حکایت گرمفقود شدن پاره‌ای از محتوای رجال الکشی به دلیل گزینش طوسی و نیز نظرات علما و رجاليون در این خصوص است. اما سخن در این است که برای بازآفرینی بخش‌های مفقود شده رجال الکشی تلاشی صورت گرفته است یا خیر؟ جدای از برخی منابع امامیه، تا آنجا که نویسندگان این جستار به کاوش پرداختند، تنها منبع اهل سنت که از رجال الکشی مطالب قابل توجهی را نقل کرده است، لسان المیزان اثر عسقلانی است. این در حالی است که اکثر گزارش‌های عسقلانی، در کتاب اختیار معرفة الرجال موجود نیست. این مطلب به صورت محدود مورد توجه برخی پژوهش‌گران قرار گرفته و به بیان احتمالاتی در این خصوص انجامیده است. سیستانی در بخشی از کتاب قبسات فی علم الرجال، اشاره مختصری به این موضوع کرده و می‌گوید:

مواردی را که ابن حجر نقل کرده، نمی‌توان به خود او نسبت داد؛ زیرا نه مصلحتی در آن است و نه با جایگاه ابن حجر هم‌خوانی دارد. همچنین افتادن آن‌ها از نسخه‌های رسیده به ما نیز بعید است؛ زیرا آن نسخه‌ها فراوان هستند.

تحلیل سیستانی این است که:

اصل کتاب کشی نزد ابن حجر نبوده و او در نقل این اطلاعات بر کتاب الحاوی فی طبقات الأمامیة، اثر یحیی بن ابی طی حلبی، رجالی شیعی در قرن ششم و هفتم قمری تکیه کرده است؛ بدون این که به آن تصریح کند. ابن حجر در برخی از فقرات لسان المیزان، از این کتاب نام برده است و تصریح می کند آن را به خط مؤلف در اختیار دارد. ظاهراً روش ابن ابی طی این گونه بوده است که اطلاعات خود را از راوی ارائه داده و برای اشاره به برخی مصادر خویش، مثلاً می نویسد: کشی آن را در رجالش ذکر کرده است. اما ابن حجر گمان داشته که تمامی اطلاعات گفته شده درباره راوی، در رجال الکشی وجود داشته است، لذا آن ها را مستقیماً به خود کشی نسبت داده است.^۱

ملکیان نیز در مقاله ای با عنوان «لسان المیزان و مصادر الرجالیة فی المدرسة الامامیة»، به استخراج منقولات عسقلانی در لسان المیزان از اصول اولیه رجالی شیعه پرداخته و سپس ضمن مقایسه آن ها با محتوای کتبی که امروزه از این اصول در دست است، نشان داده که بسیاری از مطالبی که عسقلانی نقل کرده، امروزه در اصول اولیه رجالی شیعه اثری از آن ها یافت نمی شود و یا به گونه ای متفاوت با گزارش عسقلانی بیان شده است. ملکیان می نویسد:

احتمال دارد که اشتباهات در این موارد ناشی از نسخه ابن حجر باشد؛ کما این که برخی معاصرین احتمال داده اند که اصول رجالی شیعه نزد ابن حجر نبوده، بلکه آنچه را او به رجالیون امامیه نسبت داده، به واسطه اعتماد به برخی از تألیفات متأخرین درباره رجال شیعه است که به دلیل مأنوس نبودن ابن حجر به شیوه نقل آن کتاب، این اشتباهات ایجاد شده است.^۲

همچنین رحمان ستایش و جدیدی نژاد در کتاب بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، مختصراً به استفاده عسقلانی از رجال الکشی اشاره کرده و گفته اند:

در این باره، عجیب آن است که علامه حلی (م ۷۲۶ق) و ابن داود (م ۷۴۶ق) که بر ابن حجر مقدم بوده اند، از اختیار معرفة الرجال استفاده کرده اند؛ حال آن که بسیاری از مطالبی که ابن حجر از رجال الکشی نقل نموده، در اختیار موجود نیست و این

۱. قبسات فی علم الرجال، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۵.

۲. لسان المیزان و المصادر الرجالیة فی المدرسة الامامیة، ص ۱۲۸-۱۲۹.

بیان‌گر آن است که ابن حجر از اصل رجال الکشی استفاده کرده است. اما احتمال این‌که ابن حجر از کتاب دیگر کشی در موضوع رجال، استفاده کرده باشد و یا از نسخه‌ای استفاده کرده باشد که مربوط به کتاب مؤلفی دیگر بوده و به اشتباه به کشی نسبت داده شده و یا نقل ابن حجر از این کتاب، با واسطه اشتباه بوده، بسیار ضعیف و باطل به نظر می‌رسد.^۱

آنچه این پژوهش را از پژوهش‌های پیش‌گفته متمایز می‌کند، آن است که در این نوشتار منقولات عسقلانی از ابن ابی طی (م ۶۳۰ق) را استخراج و با منقولات او از رجال الکشی که گمان شده آنان را نیز به واسطه کتاب الحاوی فی رجال الامامیه ابن ابی طی نقل کرده است، مقایسه نموده و به شواهدی دست یافته‌ایم که موجود بودن اصل کتاب رجال الکشی نزد عسقلانی را تقویت می‌کند و در دیگر سو، دیدگاه نقل عسقلانی از رجال الکشی به واسطه کتاب الحاوی ابن ابی طی را با ابهام مواجه می‌سازد. حتی اگر عسقلانی منقولات خود از رجال الکشی را از کتاب ابن ابی طی گرفته باشد، باز این نکته حایز اهمیت است و این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که ابن ابی طی مطالبی را که از رجال الکشی نقل کرده و در اختیار معرفة الرجال امروزی دیده نمی‌شود، از کجا نقل کرده است؟ او نسبت به عسقلانی نزدیک‌تر به دوره‌ای است که اصل رجال الکشی در دست بوده، لذا بعید نیست که نسخه‌ای از اصل رجال الکشی را در اختیار داشته است و این چیزی نیست جز بازآفرینی بخشی از رجال الکشی.

در ادامه، ضمن معرفی ابن ابی طی و الحاوی فی رجال الامامیه، نیز عسقلانی و لسان المیزان، گزارش‌های عسقلانی از رجال الکشی در لسان المیزان را استخراج و در قالب جدولی ارائه نموده‌ایم. در مرحله بعد نیز به استخراج منقولات عسقلانی از ابن ابی طی پرداخته و با مطالب او از رجال الکشی مقایسه نموده‌ایم.

۳. معرفی ابن ابی طی و الحاوی فی رجال الامامیه

۳-۱. مؤلف

یحیی بن حمید بن ظافر طائی حلبی، متولد ۵۷۵ق و متوفای ۶۳۰ق، از علمای امامی مذهب ساکن در حلب و از شاگردان ابن شهر آشوب مازندرانی بود.^۲ او از بانیان ساخت

۱. بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۴۴۶.

۲. لسان المیزان، ج ۶، ص ۲۶۳.

مسجد در حلب^۱ و دانشمندی کثیرالتألیف بود که در عرصه‌های مختلف آثاری را پدید آورد، ولی پس از آن که تشیع در نواحی شامات مورد بی‌مهری سلاطین نوری و ایوبی و مملوکی قرار گرفت، آثار این عالم تشیع نیز از میان رفت^۲ و تنها اثری که از او بر جای مانده کتاب شرح لامیة العرب است که در کتابخانه اسکوریال اسپانیا موجود است.^۳ از دیگر آثار او: معادن الذهب فی تاریخ حلب، شرح نهج البلاغه، تاریخ العلماء، أسماء رواة الشيعة و مصنفيها و الحاوی فی رجال الامامية هستند.^۴

یاقوت حموی با قضاوت تندی درباره ابن ابی طی، او را متهم به انتحال ادبی کرده و گفته است:

او تصنیف را دکان و وسیله گذران معاش ساخته بود و به نوشته‌های دیگران دست می‌برد و با پس و پیش کردن و افزودن و کاستن، نامی عجیب بر آن‌ها می‌نهاد و با کتابتی عالی عرضه می‌کرد.^۵

این در حالی است که راغب حلبی از ابن ابی طی با عبارت «آية الله الكبرى في العلوم و الفنون والأدب والشعر و التاريخ و معرفة أخبار الصحابة و العرب» یاد کرده است.^۶ آقابزرگ تهرانی نیز می‌گوید:

یاقوت - که خود متهم به ناصبی‌گری بوده و به همین سبب آواره اطراف و اکناف شده - قضاوتش درباره یک عالم برجسته شیعه بهتر از این نمی‌تواند باشد.^۷

ابن خلکان نیز به دشمنی یاقوت با علویان اشاره کرده است.^۸

۳ - ۲. کتاب

از جمله نگاه‌های مفقوده ابن ابی طی، کتاب الحاوی فی رجال الامامية در شرح حال بزرگان امامیه است. یاقوت حموی - که خود در حلب درگذشته و با ابن ابی طی دیدار داشته - ضمن معرفی برخی آثار او، از این کتاب نام برده است.^۹ محقق معاصر، جعفریان، با عنایت به کتاب‌های

۱. الأعلاق الخطيرة في ذكر امراء الشام و الجزيرة، ج ۱، ص ۲۶.

۲. الحاوی فی رجال الشيعة الامامية، ص ۱۷.

۳. اعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء، ج ۴، ص ۳۵۳.

۴. فوات الوفيات، ج ۴، ص ۲۶۹-۲۷۱؛ لسان الميزان، ج ۶، ص ۲۶۳.

۵. لسان الميزان، ج ۶، ص ۲۶۳.

۶. اعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء، ج ۴، ص ۳۵۴.

۷. الانوار الساطعة في المائة السابعة، ص ۲۰۵.

۸. وفيات الأعيان، ج ۶، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۹. لسان الميزان، ج ۶، ص ۲۶۳.

تاریخ الاسلام ذهبی (م ۷۴۷ق) و الأصابة و لسان المیزان عسقلانی (م ۸۵۲ق)، به بازآفرینی این کتاب با عنوان الحاوی فی رجال الامامیة اقدام نموده است. ذهبی و عسقلانی اصل این کتاب را در دست داشته و بخش‌هایی از آن را در آثار خود آورده‌اند. جعفریان این اثر را با نام‌های مختلفی یاد کرده است^۱ که در ادامه این مقاله، به نقد دیدگاه او خواهیم پرداخت.

۴. معرفی عسقلانی و لسان المیزان

۴-۱. مؤلف

شهاب‌الدین ابوالفضل احمد بن علی عسقلانی شافعی، معروف به ابن حجر، از علمای اهل سنت است که در سال ۷۷۳ق، در مصر متولد و در سال ۸۵۲ق، در همانجا وفات یافت. ابن حجر برای ملاقات با مشایخ حدیث و اخذ اجازه از آنان، به شهرهای متعدد در داخل مصر و دیار شام و حجاز مسافرت کرد. حافظ ابوالفضل زین‌الدین عراقی از مهم‌ترین مشایخ ابن حجر بوده که تأثیر بسزایی در شخصیت علمی او داشته است. عسقلانی از مکثرین تألیف است و در علوم مختلف اسلامی کتاب‌های نفیسی را تألیف کرده که هر یک مصدري مهم برای اهل سنت به شمار آمده‌اند. کتاب‌های الإصابة فی تمییز الصحابة، تهذیب‌التهذیب و لسان المیزان از مهم‌ترین نگاشته‌های عسقلانی در علم رجال محسوب می‌شوند.^۲

۴-۲. کتاب

لسان المیزان ناظر بر کتاب میزان الاعتدال ذهبی است. ابن حجر در لسان المیزان، شرح حال راویانی را که مؤلفین صحیحین و یا سُنن اربعه از آن‌ها نقل حدیث کرده‌اند و شرح حال آن‌ها به تفصیل در تهذیب‌الکمال مزی آمده است، از میزان الاعتدال حذف و به جای آن‌ها مستدرکات عراقی بر میزان الاعتدال را با رمز «ذ» اضافه کرده است. همچنین مستدرکاتی را نیز خود جمع‌آوری نموده و برای آن‌ها رمز «ز» را قرار داده است. عسقلانی در مواردی، بعد از نقل آنچه که ذهبی در شرح حال راویان گفته، مطالبی دیگر را افزوده و برای تفکیک کلام خودش از کلام ذهبی، سخن ذهبی را با آوردن «انتهی» به پایان برده و بعد از آن، مطالب خود را افزوده است.^۳ عسقلانی در لسان المیزان بسیاری از منابع رجالی شیعه را - که در اختیارش بوده -

۱. الحاوی فی رجال الشيعة الإمامية، ص ۳۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۵۲-۵۵۳.

۳. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳.

مورد استفاده قرار داده است. او در مواردی از کتاب رجال علی بن الحکم^۱ نقل کرده که امروزه هیچ اثری از آن در دست نیست. همچنین از کتاب‌های رجال الطوسی^۲، رجال الکشی^۳، رجال ابن عقده^۴، رجال النجاشی^۵ و رجال علی بن فضال^۶ نیز شرح حال‌هایی را نقل کرده است.

۵. منقولات عسقلانی از رجال الکشی

زیلاً گزارش‌هایی که عسقلانی از رجال الکشی نقل کرده است را در قالب سه جدول ارائه نموده‌ایم. لازم به ذکر است که نویسندگان این مقاله در این بخش، اساس کار را کتاب لسان المیزان عسقلانی قرار داده و صرفاً به پژوهش ملکیان اکتفا نکرده‌اند؛ هرچند این تلاش به تقویت و رفع کاستی‌های پژوهش ملکیان انجامیده است. تفاوت‌های کار ما با ملکیان عبارت است از:

یک. مقایسه منقولات عسقلانی با اصول ثانویه رجالی امامیه علاوه بر اصول اولیه رجالی. دو. ذکر کامل مطالب اصول اولیه رجالی امامیه در مورد راویان. سه. ذکر مطالب اختیار معرفة الرجال در مورد برخی راویان که ملکیان مطلبی از آنان در اختیار یافت نکرده است؛ برای نمونه، رک: حسین بن زرارة بن أعین، حسین بن حمزه، حسین بن صالح الخثعمی^۷ و مقایسه شود با ملکیان^۸. چهار. مقایسه منقولات عسقلانی از رجال الکشی با منقولات او از ابن ابی طی (م ۶۳۰ق) که در بخش بعدی این مقاله به آن پرداخته شده و نتایجی قابل تأمل را به همراه داشته است.

پنج. دسته‌بندی راویان، که در جدول‌ها قابل مشاهده است.

۱. همان، ج ۱، ص ۶۶-۷۸؛ ج ۲، ص ۱۹۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۸۵-۴۴۷؛ ج ۲، ص ۲۷-۳۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۶-۵۶-۳۳۷؛ ج ۲، ص ۲۳-۷۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۵۹؛ ج ۲، ص ۸۲-۳۰۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۴۴۱؛ ج ۲، ص ۳۲-۱۳۲.

۶. همان، ج ۱، ص ۴۰.

۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۴۱-۴۰۶-۶۱۵.

۸. لسان المیزان والمصادر الرجالية فی المدرسة الامامية، ص ۸۰.

*** جدول شماره ۱**

در این جدول نام و احوال پانزده راوی که در لسان المیزان به نقل از کشی آمده، ولی در اختیار کنونی و دیگر منابع رجالی امامیه شرح حالی از آنان نیامده، ذکر شده است.^۱

۱	إبراهیم بن حریت: ذكره الكشي في رجال جعفر الصادق من الشيعة.
۲	إبراهیم بن أبي رجاء الكوفي: ذكره الكشي في رجال الشيعة الرواة عن جعفر الصادق.
۳	آدم المرادي: ذكره الكشي في رجال الشيعة وقال روى عن جعفر الصادق.
۴	إسماعيل بن خالد كوفي: ذكره الكشي في رجال الشيعة الرواة عن أبي جعفر الباقر وولده قال وعاش إلى أن أخذ عن موسى بن جعفر روى عنه حماد بن عيسى.
۵	بشر بن رباط الكوفي (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة من الرواة عن جعفر الصادق.
۶	بشير الكتاني (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة من الرواة عن جعفر الصادق.
۷	بكر بن سماك الأسدي كوفي: ذكره الكشي في رجال الشيعة من الرواة عن جعفر الصادق.
۸	توبة القداحي (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة وقال أخذ عن جعفر.
۹	ثابت بن أمية: ذكره الكشي في رجال الشيعة وقال كان من الرواة عن جعفر الصادق.
۱۰	ثابت الأسدي (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة وقال صحب جعفر وأخذ عنه حديثاً كثيراً.
۱۱	ثور بن الوليد الخثعمي الكوفي: ذكره الكشي في رجال الشيعة روى عن جعفر الصادق.
۱۲	جعفر بن مروان الزيات: ذكره الكشي في رجال الشيعة.
۱۳	حذيفة بن الأحذب (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة.
۱۴	حريز بن محرز: ذكره الكشي في رجال الشيعة.
۱۵	الحسين بن سفيان الكوفي: ذكره الكشي في رجال الشيعة الرواة عن جعفر الصادق.

*** جدول شماره ۲**

در این جدول نام و احوال ۳۵ راوی که در لسان المیزان به نقل از کشی آمده، ولی در اختیار کنونی نیامده و تنها در دیگر منابع رجالی امامیه شرح حالی از آنان آمده، ذکر شده است.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح راویان در منابع رجالی امامیه به جز اختیار کنونی
۱	إدريس بن هلال (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة وقال كان من أحد رجال جعفر بن محمد وحدث.	برقی اورا از اصحاب امام صادق <small>عليه السلام</small> ذکر کرده. ۳

۱. به ترتیب پانزده راوی ذکر شده در این بخش، رک: لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۶-۵۶-۳۳۷-۴۰۲؛ ج ۲، ص ۲۳-۴۰-۵۱-۷۴-۷۴-۸۱-۸۵-۱۲۷-۱۸۲-۱۸۶-۲۸۴.

۲. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۳۴.

۳. رجال البرقی، ص ۲۷.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح راویان در منابع رجالی امامیه به جز اختیار کنونی
۲	یدریس بن یوسف: ذکره الکشی فی رجال الشیعة و قال کان من رجال الصادق روی عنه محمد القمی. ^۱	برقی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. ^۲
۳	أدیم بن عبدالله بن سعد الأشعری القمی: ذکره الکشی فی رجال الشیعة روی عنه نوح الشیبانی. ^۳	به ظاهر تصحیف «آدم بن عبدالله بن سعد الأشعری القمی» است. برقی و طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده اند. ^۴
۴	إسحاق بن إبراهيم النخعی (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة و قال روی عن جعفر بن محمد الصادق. ^۵	به ظاهر تصحیف «اسحاق بن ابراهیم الجعفی» است. برقی و طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده اند. ^۶
۵	إسحاق بن غالب الأسدی الکوفی (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة و قال کان شاعرا روی عن جعفر الصادق روی عنه صفوان بن یحیی. ^۷	نجاشی و حلی در موردش می گویند: ثقة و از راویان امام صادق <small>علیه السلام</small> است. او و برادرش عبدالله هر دو شاعرند هستند. نجاشی اضافه می کند: برای او کتابی است که عده ای از اصحاب چون صفوان از او روایت کرده اند. طوسی تنها او را از یاران امام صادق <small>علیه السلام</small> شمرده و ابن داود لفظ ثقة را در موردش به کار برده است. ^۸
۶	إسحاق بن فروخ مولی آل طلحة (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة و قال أخذ عن جعفر الصادق. ^۹	طوسی و برقی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده اند. ^{۱۰}
۷	إسحاق بن الهیثم الکوفی (ز): ذکره الکشی فی رجال جعفر الصادق من الشیعة. ^{۱۱}	طوسی و برقی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده اند. ^{۱۲}
۸	أسد بن إسماعیل (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة ممن أخذ عن جعفر الصادق. ^{۱۳}	طوسی و برقی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده اند. ^{۱۴}

۱. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۳۴.
۲. رجال البرقی، ص ۲۷.
۳. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۳۷.
۴. رجال البرقی، ص ۴۷؛ رجال الطوسی، ص ۱۵۶.
۵. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۴۳.
۶. رجال البرقی، ص ۲۸؛ رجال الطوسی، ص ۱۶۸.
۷. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۶۸.
۸. رجال النجاشی، ص ۷۲؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۱؛ رجال الطوسی، ص ۱۶۲؛ رجال ابن داود، ص ۵۳.
۹. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۶۸.
۱۰. رجال الطوسی، ص ۱۶۷؛ رجال البرقی، ص ۲۸.
۱۱. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۷۷.
۱۲. رجال الطوسی، ص ۱۶۷؛ رجال البرقی، ص ۲۸.
۱۳. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۸۲.
۱۴. رجال الطوسی، ص ۱۶۸؛ رجال البرقی، ص ۴۰.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح راویان در منابع رجالی امامیه به جز اختیار کنونی
۹	إسرائيل بن أسامة الكوفي (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة وإنه من أصحاب جعفر الصادق. ^۱	طوسی و برقی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده‌اند. ^۲
۱۰	إسماعيل بن همام بن عبد الرحمن بن ميمون البصري (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة. روى عن علي بن موسى الرضا وغيره روى عنه العباس بن معروف وأحمد بن الحسن بن علي بن فضال وآخرون. ^۳	نجاشی او را مکنی به اباهمام و از راویان امام رضا <small>علیه السلام</small> ذکر کرده و می‌گوید: اسماعیل و پدر و جدش ثقة‌اند. برای او کتابی است که عده‌ای از او روایت کرده‌اند. طوسی، ابن داود و حلی نیز او را از اصحاب امام رضا <small>علیه السلام</small> ذکر کرده، ابن داود و حلی نیز گفته‌اند: اسماعیل و پدر و جدش ثقة هستند. ^۴
۱۱	أيوب بن أعيان مولى بني طريف (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة من الرواة عن جعفر الصادق. ^۵	برقی او را از اصحاب امام کاظم <small>علیه السلام</small> ذکر کرده و طوسی او را از اصحاب امام صادق و کاظم <small>علیه السلام</small> شمرده است. ^۶
۱۲	أيوب بن حسن بن علي بن أبي رافع: ذكره الكشي في الرواة عن الصادق. ^۷	طوسی او را از اصحاب امام سجاده <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. ^۸
۱۳	بشر بن عتبة الراتبی (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة من الرواة عن الباقر والصادق. ^۹	طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده با عنوان بشر بن عتبة الأسدی الکوفی. ^{۱۰}
۱۴	بشر بن غالب الكوفي: ذكره الكشي في رجال الشيعة و قال عالم فاضل جليل القدر و قال روى عن الحسين بن علي وعن ابنه زين العابدين روى أخوه عبدالله بن غالب من رواية عتبة بن بشير عنه. ^{۱۱}	برقی او را از اصحاب امام علی و حسن و حسین و سجاده <small>علیه السلام</small> ذکر کرده. طوسی نیز او را از اصحاب امام حسین و سجاده <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. ^{۱۲}
۱۵	بشر بن مسلمة الكوفي (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة روى عن جعفر الصادق وعنه محمد بن أبي عمير. ^{۱۳}	برقی او را از اصحاب امام کاظم <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. نجاشی در موردش عبارت «کوفی ثقة» را به کار برده و گفته: بشر از راویان امام صادق <small>علیه السلام</small> است و دارای کتابی است که ابن ابی عمیر از او روایت

۱. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۸۵.
۲. رجال الطوسی، ص ۱۶۵؛ رجال البرقی، ص ۲۹.
۳. لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۴۱.
۴. رجال النجاشی، ص ۳۰؛ رجال الطوسی، ص ۳۵۲؛ رجال ابن داود، ص ۶۰؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۰.
۵. لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۷۷.
۶. رجال البرقی، ص ۵۰؛ رجال الطوسی، ص ۱۶۴ و ۳۳۱.
۷. لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۷۸.
۸. رجال الطوسی، ص ۱۱۰.
۹. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۷.
۱۰. رجال الطوسی، ص ۱۶۸.
۱۱. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۸.
۱۲. رجال البرقی، ص ۸-۹؛ رجال الطوسی، ص ۹۹ و ۱۱۰.
۱۳. لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۲.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح راویان در منابع رجالی امامیه به جز اختیار کنونی
		شرح راویان در منابع رجالی امامیه به جز اختیار کنونی کرده. طوسی او را از اصحاب امام صادق و کاظم <small>علیهما السلام</small> ذکر کرده و گفته: او ثقة است و دارای اصل. ابن داود و حلی نیز او را ثقة و از یاران امام صادق <small>علیه السلام</small> دانسته‌اند. ^۱
۱۶	بکار بن کردم الکوفی: ذکره الکشی فی رجال الشیعة و قال روی عن جعفر الصادق و المفضل بن عمرو غیرهما روی عنه یونس بن یعفور. ^۲	طوسی و برقی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده‌اند. ^۳
۱۷	بکر بن کردم الکوفی (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة و قال روی عن جعفر الصادق و المفضل بن عمرو غیرهما روی عنه یونس بن یعقوب. ^۵	طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. ^۶
۱۸	بکر بن کرب الصریفینی (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة من الرواة عن جعفر الصادق و عن أبی جعفر الباقر. ^۷	طوسی او را از اصحاب امام باقر و صادق <small>علیهما السلام</small> ذکر کرده است. ^۸
۱۹	بکر الأرقط (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة من الرواة عن جعفر الصادق. ^۹	طوسی و برقی او را از اصحاب امام باقر و صادق <small>علیهما السلام</small> ذکر کرده‌اند. ^{۱۰}
۲۰	ثابت بن أبی سعید البجلی الکوفی (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة و قال کان ثقة کثیر الفقه روی عنه الأعمش. ^{۱۱}	طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. ^{۱۲}
۲۱	ثابت بن شریح الصانع (ز): قال الکشی أخذ عن جعفر	نجاشی و طوسی او را ثقة و از راویان امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده و

۱. رجال البرقی، ص ۵۰؛ رجال النجاشی، ص ۱۱۱؛ رجال الطوسی، ص ۱۶۸ و ۳۳۳؛ الفهرست، ص ۹۷؛ رجال ابن داود، ص ۷۱؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۵.
۲. لسان المیزان، ج ۲، ص ۴۴.
۳. رجال الطوسی، ص ۱۷۱؛ رجال البرقی، ص ۴۰.
۴. گویا تصحیف راوی قبل، یعنی «بکار بن کردم الکوفی» است ولی ابن حجر رمز (ز) را برای «بکار» نیاورده، ولی برای «بکر» آورده است. همچنین این دو، در کتب رجالی شیعه نیز مجزا آمده‌اند و به تصحیف اشاره‌ای نشده است.
۵. لسان المیزان، ج ۲، ص ۵۶.
۶. رجال الطوسی، ص ۱۷۳.
۷. لسان المیزان، ج ۲، ص ۵۶.
۸. رجال الطوسی، ص ۱۲۷ و ۱۷۰.
۹. لسان المیزان، ج ۲، ص ۶۰.
۱۰. رجال الطوسی، ص ۱۷۳؛ رجال البرقی، ص ۴۰.
۱۱. لسان المیزان، ج ۲، ص ۷۷.
۱۲. رجال الطوسی، ص ۱۷۴.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح راویان در منابع رجالی امامیه به جز اختیار کنونی
	الصادق روی عنه عیسی بن هشام و عبدالله بن أحمد بن نهیک و غیرهما. ^۱	گفته‌اند دارای کتابی در انواع فقه است که عده‌ای مثل عیسی بن هشام و ابن نهیک آن را روایت کرده‌اند. حلی او را ثقه و از راویان امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده و ابن داود او را ثقه دانسته و رمز «کش» را ذیل نامش آورده، یعنی او در رجال الکشی نیز ذکر شده است. ^۲
۲۲	ثابت مولی جریر (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة و قال علی بن الحکم کان کوفیا دخل علی جعفر فضحبه وأسند عنه. ^۳	طوسی او را با عنوان «ثابت مولی حریری» از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. گویا «جریر» تصحیفی از «حریری» است. برقی ثابت مولی بنی جریر را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. ^۴
۲۳	جریر بن عثمان (ز): ذکره الکشی فی رجال الشیعة من الرواة عن جعفر الصادق و قال کان فقیها صالحا أعرف الناس بالمواریث. ^۵	برقی و طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده‌اند. ^۶
۲۴	جعفر بن ناجیه بن أبی عمار الکوفی (ز): قال الکشی کان من رجال الشیعة ممن روی عن جعفر الصادق. ^۷	برقی و طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده‌اند. ^۸
۲۵	جمیلة الهمدانی کوفی: ذکره الکشی و قال انه تابعی روی عن الحسن بن علی. ^۹	برقی و طوسی او را از اصحاب امام علی و حسن و حسین و سجاد <small>علیهم السلام</small> ذکر کرده‌اند. ابن داود او را جزء ممدوحین ذکر کرده است. ^{۱۰}
۲۶	جعفر مصغرا بن الحکم العبیدی (ز): قال أبو عمرو الکشی جمع کتابا عن جعفر کله صحیح معتمد علیه. ^{۱۱}	نجاشی او را ثقه و از اصحاب امام باقر <small>علیه السلام</small> ذکر کرده و می‌گوید: او دارای کتابی است. نجاشی نام فرزند او را «منذر» ذکر کرده و به ظاهر «منقر» که عسقلانی نقل کرده، تصحیف آن است. طوسی او را با عنوان

۱. لسان المیزان، ج ۲، ص ۷۷.
۲. رجال النجاشی، ص ۱۱۶؛ رجال الطوسی، ص ۱۷۴؛ الفهرست، ص ۱۰۶؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۹؛ رجال ابن داود، ص ۷۷. با توجه به این‌که نام «ثابت بن شریح الصانغ» در اختیار معرفة الرجال امروزی وجود ندارد، احتمال این‌که ابن داود نسخه‌ای متفاوت از اختیار را در دست داشته تقویت می‌گردد.
۳. لسان المیزان، ج ۲، ص ۸۱.
۴. رجال الطوسی، ص ۱۷۴؛ رجال البرقی، ص ۴۱.
۵. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۰۳.
۶. رجال البرقی، ص ۴۱؛ رجال الطوسی، ص ۱۷۹.
۷. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۳۰.
۸. رجال البرقی، ص ۴۳؛ رجال الطوسی، ص ۱۷۶.
۹. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۳۲.
۱۰. رجال البرقی، ص ۶، ۷ و ۸؛ رجال الطوسی، ص ۵۹، ۹۳، ۱۰۰ و ۱۱۱؛ رجال ابن داود، ص ۹۰.
۱۱. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۳۲.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح راویان در منابع رجالی امامیه به جز اختیار کنونی
		«جیفر بن الحکم العبدی» از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> یاد کرده و ابن داود و حلی نیز او را ثقة دانسته‌اند. ^۱
۲۷	جماعة بن عبدالرحمن الصائغ الكوفي: قال الكشي كان صدوقا وله رواية عن جعفر الصادق ومعرفة بحديث أصحابه وكانت له حلقة وصحب أبان بن تغلب وغيره. ^۲	طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده. ^۳
۲۸	جناح بن عبد الحميد الكوفي: وثقه الكشي. ^۴	طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. ^۵
۲۹	حبيب بن بشر بن زید: قال الكشي كان مستقيما من الرواة عن جعفر الصادق. ^۶	برقی و طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده‌اند. ^۷
۳۰	حسين بن حبيب: ذكره الكشي في رجال الشيعة فقال أخذ عن الصادق وعاب مالكا في تركه الأخذ عن الكاظم فاعتذر اليه. ^۸	برقی و طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده‌اند. ^۹
۳۱	الحسين بن زيد الكوفي: ذكره الكشي وقال هو حزمي منسوب الي بني حزيمة بن مرة بن عوف. ^{۱۰}	طوسی می گوید: برای او کتابی است. ^{۱۱}
۳۲	مسلم بن تميم: ذكره الكشي في رجال الشيعة ممن أخذ عن جعفر الصادق. ^{۱۲}	برقی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است. ^{۱۳}
۳۳	إسحاق بن عبد الله بن سعد الأشعري القمي (ز): ذكره الكشي. روى عنه ابنه أحمد وعلی بن بزرج ومحمد بن أبي عمير وآخرون. ^{۱۴}	برقی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده و نجاشی او را از اصحاب امام صادق و کاظم <small>علیه السلام</small> که افرادی چون: علی بن بزرج از او روایت کرده‌اند و نیز عبارت «قمی ثقة» را در موردش به کار برده است.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۳۱؛ رجال الطوسی، ص ۱۷۸؛ رجال ابن داود، ص ۹۲؛ خلاصة الأقوال، ص ۳۷.
۲. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۳۴.
۳. رجال الطوسی، ص ۱۷۸.
۴. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۳۹.
۵. رجال الطوسی، ص ۱۷۸.
۶. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۶۸.
۷. رجال البرقی، ص ۴۱؛ رجال الطوسی، ص ۱۹۶.
۸. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۷۷.
۹. رجال البرقی، ص ۲۷؛ رجال الطوسی، ص ۱۹۵.
۱۰. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۸۴.
۱۱. رجال الطوسی، ص ۱۴۸.
۱۲. لسان المیزان، ج ۶، ص ۲۹.
۱۳. رجال البرقی، ص ۳۳.
۱۴. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۶۵.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح راویان در منابع رجالی امامیه به جز اختیار کنونی
		حلی و ابن داود گفته‌اند: او قمی و ثقة است. حلی می‌افزاید او از اصحاب امام صادق و کاظم <small>علیهما السلام</small> است. ^۱
۳۴	جیبیر بن حفص العثماني أبو الأسود الكوفي (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة. ^۲	طوسی ذیل عنوان «جیبیر بن حفص العثماني (العثماني)» کنیه‌اش را ابوالأسود ذکر کرده و گفته: کوفی، أسند عنه. ^۳
۳۵	حسان بن مهران الجمال: ذكره الكشي في رجال الشيعة. ^۴	برقی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده. طوسی نیز او را از اصحاب امام باقر و صادق <small>علیهما السلام</small> ذکر کرده و می‌گوید: برای حسان کتابی است که علی بن نعمان از او روایت کرده. نجاشی و حلی او را از اصحاب امام صادق و کاظم <small>علیهما السلام</small> دانسته و او را با عبارت «ثقة ثقة» توصیف کرده و گفته‌اند: مولی بنی کاهل از بنی أسد و برادر صفوان است و نسبت به صفوان أصح وأوجه است. ^۵

* جدول شماره ۳

در این جدول نام و احوال ۱۶ راوی که در لسان المیزان به نقل از کشی آمده و نیز در اختیار کنونی و دیگر منابع رجالی امامیه از آنان سخن به میان آمده، ذکر شده است.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح حال راویان در اختیار کنونی	شرح راویان در دیگر منابع رجالی امامیه
۱	إبراهيم بن محمد بن العباس الخثلي القمي: ذكره الكشي في رجال الشيعة وقال روى عن علي بن الحسين بن فضالة. ^۶	تنها در ابتدای اسناد ۹ روایت آمده و در تمامی موارد از «احمد بن ادریس قمی» نقل روایت کرده است. ^۷ * توضیح: مطالب با آنچه عسقلانی آورده متفاوت است.	طوسی و ابن داود گفته‌اند: فرد صالحی بود و از سعد بن عبدالله و دیگر قمیون و از علی بن حسن بن فضال روایت نقل کرده است. حلی می‌افزاید: از ائمه روایتی را نقل نکرده است. ^۸
۲	أديم بن الحر الخثعمي بياح الهروي: ذكره الكشي في رجال الشيعة. ^۹	نصر بن صباح گفته: ابوالحرون نامش اَدِيم بن حرو او حدّاء است و از اصحاب امام صادق. ^{۱۰} * توضیح: مطالب زیادتر از آنچه عسقلانی	نجاشی می‌گوید: اَدِيم بن الحر الجعفی، ثقة و برای او اصلی است. طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده. ^{۱۱}

۱. رجال البرقی، ص ۲۸؛ رجال النجاشی، ص ۷۳؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۱؛ رجال ابن داود، ص ۵۳.

۲. لسان المیزان، ج ۲، ص ۹۸.

۳. رجال الطوسی، ص ۱۷۸.

۴. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۹۸.

۵. رجال البرقی، ص ۴۷؛ رجال الطوسی، ص ۱۳۲ و ۱۹۳؛ الفهرست، ص ۱۶۵؛ رجال النجاشی، ص ۴۷؛ خلاصة الأقوال، ص ۶۴.

۶. لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۰۴.

۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۳، ۱۲۷، ۱۳۴، ۳۰۷، ۳۳۸، ۳۷۸، ۴۶۱، ۴۶۶ و ۵۰۵.

۸. رجال الطوسی، ص ۴۰۷؛ رجال ابن داود، ص ۱۸؛ خلاصة الأقوال، ص ۷.

۹. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۳۷.

۱۰. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۴۷.

۱۱. رجال النجاشی، ص ۱۳۶۵؛ رجال الطوسی، ص ۱۵۶.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح حال راویان در اختیار کنونی	شرح راویان در دیگر منابع رجالی امامیه
		آورده است.	
۳	اسماعیل بن مهران بن محمد بن اَبی نصر الکوفی (ع)؛ قال الکشی له کتاب الملاحم وثواب القرآن والنوادر و غیر ذلك یروی عن مالک بن عطیة الأحمسی وجعفر بن محمد الصادق و غیرهما روی عنه سلمة بن الخطاب و بکر بن هشام و سهل بن زیاد و آخرون. ۱	عیاشی می گوید از علی بن حسن درباره اسماعیل پرسیدم، گفت: او به غلو متهم است. اما عیاشی در موردش عبارت «کان تقیا ثقة خیرا فاضلا» را به کار برده و گفته: بر او دروغ می بستند. ۲ * توضیح: مطالب با آنچه عسقلانی آورده متفاوت است.	برقی او را از اصحاب امام رضا (ع) ذکر کرده است. زراری کتاب ملاحم را برای او ذکر کرده و غضائری درباره اش گفته: «لیس حدیثه بنقی، یضطرب تارة ویصلح اخرى و یروی عن الضعفاء کثیرا». نجاشی گفته: اسماعیل ثقة است و بسرا و اعتماد می شود. او از جماعتی از اصحاب ما از امام صادق (ع) روایت کرده و کشی او را از اصحاب امام رضا (ع) ذکر کرده است. او صاحب کتاب های الملاحم، ثواب القرآن، النوادر، الاهلیجیه، صفة المؤمن والفاجر، خطب امیرالمؤمنین (ع) است. طوسی او را، جزء اصحاب امام صادق و رضا (ع) ذکر کرده و جز کتاب های پیشین، کتاب العلل را نیز برای او نام برده و او را صاحب اصل دانسته است. ابن داود نام او را هم در بخش ممدوحین و هم در بخش مجروحین آورده و می گوید: غضائری به او اضطراب و روایت از ضعفاء را نسبت داده ولی ارجح اعتماد بر اوست و ثقة است. حلی بر او اعتماد کرده و با وجود ذکر نقدهای غضائری بر او، می گوید: روایتش نزد من مورد قبول است به جهت شهادت طوسی و نجاشی بر ثقة بودنش. ۳
۴	بشیر النبال الشیبانی الکوفی (ع)؛ ذکره الکشی فی رجال الشیعة من الرواة عن أبی جعفر الباقر و جعفر الصادق. روی عنه أبان بن عثمان الأحمر. ۴	بشیر روایتی را از امام صادق (ع) نقل کرده است. کشی ذیل نام او نیز روایتی را ذکر کرده است. ۵ * توضیح: مطالب با آنچه عسقلانی آورده متفاوت است.	برقی و طوسی بشیر را از اصحاب امام باقر و صادق (ع) ذکر کرده اند. ابن داود او را جزء ممدوحین آورده است. حلی می گوید: کشی روایتی را در موردش آورده که صراحت در تعدیل او ندارد. در سند این روایت محمد بن سنان و صالح بن اَبی حماد هستند. در نهایت حلی می گوید: «فأنا فی روایتہ متوقف». ۶
۵	بکیر بن أعین (ع)؛ ذکره الکشی فی رجال الشیعة من الرواة عن أبی جعفر و ولده. ۷	کشی ذیل نام او روایتی را ذکر کرده که نشان از وثاقت اوست. در این روایات امام صادق (ع) عباراتی همچون «رحم الله بکیرا» را درباره او استفاده کرده است و نیز	برقی او را از اصحاب امام باقر (ع) و طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) ذکر کرده اند. حلی می گوید: «مشکور مات علی الاستقامة». ۲

۱. لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۳۹.
۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۹.
۳. رجال البرقی، ص ۵۵؛ رسالة أبی غالب الزراری، ص ۱۷۳؛ رجال الغضائری، ص ۳۸؛ رجال النجاشی، ص ۲۶؛ رجال الطوسی، ص ۱۶۱ و ۳۵۲؛ الفهرست، ص ۲۷؛ رجال ابن داود، ص ۵۹ و ۴۲۸؛ خلاصة الأقوال، ص ۹.
۴. لسان المیزان، ج ۲، ص ۴۱.
۵. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۲۲ و ۳۶۹.
۶. رجال البرقی، ص ۱۳ و ۱۷؛ رجال الطوسی، ص ۱۲۷ و ۱۶۹؛ رجال ابن داود، ص ۷۱؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۵.
۷. لسان المیزان، ج ۲، ص ۶۱.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح حال راویان در اختیار کنونی	شرح راویان در دیگر منابع رجالی امامیه
		بعد از وفاتش فرمود: «لقد أنزل الله بين رسوله وبين أمير المؤمنين» ^۱ * توضیح: مطالب زیادت و متفاوت از آنچه که عسقلانی آورده است.	
۶	ثعلبة بن ميمون الكوفي أبو اسحاق (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة. ^۳	كشي از قول محمد بن عيسى آورده: ثعلبة فردی ثقة و فاضل و شناخته شده در میان علماء و فقها و از بزرگان است. ^۴ * توضیح: مطالب زیادت و متفاوت از آنچه که عسقلانی آورده است.	نجاشی در موردش عبارت «کان وجه فی اصحابنا» را آورده و گفته: ثعلبة مردی قاری، فقیه، لغوی، نحوی راوی، نیکو کردار، زاهد و کثیر العبادة بود که از امام صادق و کاظم <small>علیهما السلام</small> روایت کرده و برای او کتابی است که جماعتی چون: عبدالله بن محمد المزخرف و علی بن أسباط روایت کرده‌اند. برقی و طوسی او را از اصحاب امام صادق و کاظم <small>علیهما السلام</small> ذکر کرده و این داود و حلی عبارتی همانند عبارات نجاشی را در موردش آورده‌اند. ^۵
۷	جابر بن أعصم المكفوف (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة. ^۶	كشي با عنوان «جابر المكفوف» از او یاد کرده و روایتی را از امام صادق <small>علیه السلام</small> در باره اش نقل کرده است. ^۷ * توضیح: مطالب زیادت و متفاوت از آنچه که عسقلانی آورده است.	برقی و طوسی عنوان جابر المكفوف را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده و این داود و حلی با عنوان جابر المكفوف از او یاد کرده و روایت کشي در مورد او را ذکر کرده‌اند. ^۸
۸	جبريل بن أحمد الفارسي أبو محمد الكشي: قال الكشي حدثنا عنه محمد بن مسعود وغيره وكان مقبما بكش له حلقة كثير الرواية وكان فاضلا متحررا كثير الأفضال على الطلبة. ^۹	او از مشنایخ کشي است که در اسناد بسیاری از روایات رجال الكشي آمده. ^{۱۰} * توضیح: مطالب با آنچه عسقلانی آورده متفاوت است.	طوسی او را در باب افرادی آورده که از ائمه روایت نقل نکرده‌اند و می‌گوید: جبریل مقیم در کاش بود و او از علمای عراق و قم و خراسان بسیار روایت نقل کرده است. ^{۱۱}
۹	جويرية بن مسهر العبدي (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة و قال كان من خيار التابعين. ^۱	روایتی از او از امام علی <small>علیه السلام</small> نقل شده است که حضرت دربارہ دوستداران اهل بیت <small>علیهم السلام</small> به او سفارش می‌کند و او را	برقی و حلی او را از خواص اصحاب امام علی <small>علیه السلام</small> ذکر کرده که به همراه او در صفین به شهادت رسید. طوسی نیز او را از اصحاب امام علی <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است.

۲. رجال البرقي، ۱۳۴۲ش، ص ۱۴؛ رجال الطوسي، ص ۱۷۱؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۸.
۱. اختيار معرفة الرجال، ص ۱۸۱.
۳. لسان الميزان، ج ۲، ص ۸۲.
۴. اختيار معرفة الرجال، ص ۴۱۲.
۵. رجال النجاشي، ص ۱۱۷؛ رجال البرقي، ص ۴۸-۴۹؛ رجال الطوسي، ص ۱۷۴ و ۳۳۳؛ رجال ابن داود، ص ۷۸؛ خلاصة الأقوال، ص ۳۰.
۶. لسان الميزان، ج ۲، ص ۸۶.
۷. اختيار معرفة الرجال، ص ۳۳۵.
۸. رجال البرقي، ص ۴۴؛ رجال الطوسي، ص ۱۷۶؛ رجال ابن داود، ص ۷۷؛ خلاصة الأقوال، ص ۳۵.
۹. لسان الميزان، ج ۲، ص ۹۴.
۱۰. برای نمونه رک: اختيار معرفة الرجال، ص ۶، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۴۶ و ۶۶.
۱۱. رجال الطوسي، ص ۴۱۸.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح حال راویان در اختیار کنونی	شرح راویان در دیگر منابع رجالی امامیه
		۲ بشارت می دهد. * توضیح: مطالب زیادتر و متفاوت از آنچه که عسقلانی آورده است.	۳ کرده است.
۱۰	حبيب بن العلاء المعلى أو المعلا السجستاني (ز): ذكر عنه الكشي أنه سمع من جعفر الصادق قصة في الكتاب الذي أنزل على موسى فجعله عند هارون واستمر عند ذريته الى أن أضعه بعضهم وساقها مطولة وأثار الوضع لايحة عليها. ۴	کشی او را با عنوان «حبيب السجستاني» آورده و از قول عیاشی می گوید: حبيب ابتدا جزء گروهی از خوارج بود، سپس داخل این مذهب (امامیه) و از اصحاب امام باقر و صادق <small>علیهما السلام</small> شد. * توضیح: مطالب با آنچه عسقلانی آورده متفاوت است. ۵	برقی او را از اصحاب امام باقر و صادق <small>علیهما السلام</small> ذکر کرده. طوسی او را از اصحاب امام سجاد و باقر و صادق <small>علیهما السلام</small> ذکر کرده و ابن داود و حلی نیز همان اقوال کشی را در موردش آورده اند. ۶
۱۱	حبيب بن مظهر الأسدي (ز): قال الكشي كان من أصحاب علي ثم كان من أصحاب الحسن والحسين وذكر له قصة مع ميثم التمار ويقال أن حبيب بن مظهر قتل مع الحسين بن علي. ۷	کشی او را با عنوان «حبيب بن مظهر الأسدي» آورده و روایتی طولانی که به ماجرای بین حبيب و ميثم تمار اشاره دارد را نقل کرده است که ميثم خبر از شهادت او یا امام حسين <small>علیهما السلام</small> را می دهد. * توضیح: مطالب با آنچه عسقلانی آورده شباهت دارد. ۸	برقی او را با عنوان «حبيب بن مظهر الأسدي» از اصحاب امام علی <small>علیه السلام</small> ذکر کرده و طوسی نیز او را از اصحاب امام علی و حسن و حسين <small>علیهما السلام</small> ذکر کرده. ۹
۱۲	حجر بن زائدة الحضرمي الكندي (ز): ذكره الكشي في رجال الشيعة. ۱۰	کشی روایتی ذیل نام او نقل کرده است. همچنین حجر در اسناد و مستن روایات دیگری از اختیار نیز آمده و از اصحاب امام باقر و صادق <small>علیهما السلام</small> شمرده شده و در روایتی از سوی امام صادق <small>علیه السلام</small> مورد مذمت قرار گرفته. * توضیح: مطالب زیادتر و متفاوت از آنچه که عسقلانی آورده است. ۱۱	برقی و طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده اند. طوسی می گوید: برای او کتابی است که برخی مانند عبدالله بن مسکان از او روایت کرده اند. مشخص می شود که «عبدالله بن مسکان» که عسقلانی ذکر کرده تصحیفی از عبدالله بن مسکان است. نجاشی می گوید: او تقه و صحیح المذهب و فردی صالح از این امت است و از امام باقر و صادق <small>علیهما السلام</small> روایت کرده. برای او کتابی است که عده ای از اصحاب روایت کرده اند. ابن داود در موردش گفته: تقه و صحیح المذهب است. نجاشی او را تقه دانسته و کشی او را تضعیف کرده و روایتی از امام صادق <small>علیه السلام</small> آورده که حضرت دربار او و عامر بن جذاعة گفته: لا غفر الله لهما. ۱۲
۱۳	حسين بن بشار الواسطي (ز): ذكره الكشي	کشی ذیل نام او روایتی آورده که دلالت بر	طوسی او را از اصحاب امام کاظم و رضا <small>علیهما السلام</small> ذکر کرده و در موردش عبارت

۱. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۴۴.
۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۰۶.
۳. رجال البرقی، ص ۵؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۹۳؛ رجال الطوسی، ص ۵۹.
۴. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۷۱.
۵. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۴۷.
۶. رجال البرقی، ص ۱۵ و ۱۸؛ رجال الطوسی، ص ۱۱۳، ۱۳۲ و ۱۸۵؛ رجال ابن داود، ص ۹۸؛ خلاصة الأقوال، ص ۶۸.
۷. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۷۳.
۸. اختیار معرفة الرجال، ص ۷۸-۷۹.
۹. رجال البرقی، ص ۴ و ۷؛ رجال الطوسی، ص ۶۰، ۹۳ و ۱۰۰.
۱۰. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۸۰.
۱۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۰، ۳۲۱ و ۴۰۷.
۱۲. رجال البرقی، ص ۴۶؛ رجال الطوسی، ص ۱۹۲؛ الفهرست، ص ۱۶۳؛ رجال النجاشی، ص ۱۴۸؛ رجال ابن داود، ص ۱۰۰ و ۳۳۷.

ردیف	شرح راویان در لسان المیزان	شرح حال راویان در اختیار کنونی	شرح راویان در دیگر منابع رجالی امامیه
	فی رجال الشیعة روی عن الكاظم وولده. امام کاظم <small>علیه السلام</small> در دلش تمایل به واقفیه داشته، ولی پس از ملاقات با امام رضا <small>علیه السلام</small> حقیقت را دریافته است. * توضیح: مطالب زیادتر و متفاوت از آنچه که عسقلانی آورده است.	این دارد که حسین بعد از وفات امام کاظم <small>علیه السلام</small> در دلش تمایل به واقفیه داشته، ولی پس از ملاقات با امام رضا <small>علیه السلام</small> حقیقت را دریافته است. * توضیح: مطالب زیادتر و متفاوت از آنچه که عسقلانی آورده است.	«ثقة صحيح» را به کار برده است. حلی او را از اصحاب امام رضا <small>علیه السلام</small> دانسته و به آنچه شیخین در مورد او آورده‌اند اعتماد کرده. حلی «ثقة صحيح» را در موردش آورده و می‌گوید: کشی نیز گفته او از واقفیه به سوی حق برگشته است.
۱۴	حسین بن حمزة ذکرة الکشی فی رجال الشیعة أخذ عن جعفر الصادق. ۴	حسین بن ابی حمزة که طبق نقل رجالین دیگر همان «حسین بن حمزة» است، در اسناد برخی روایات کشی آمده و در روایتی که کشی ذیل نامش آورده، با عبارت «ثقة فاضل» یاد شده است. * توضیح: مطالب زیادتر و متفاوت از آنچه که عسقلانی آورده است.	نجاشی ذیل عنوان «حسین بن حمزة اللیثی الکوفی» می‌گوید: ابن بنت ابی حمزة الثمالی، ثقة و از راویان امام صادق <small>علیه السلام</small> است و برای او کتابی است که برخی مانند ابن ابی عمیر روایت کرده‌اند. طوسی نیز کلامی همانند نجاشی در موردش ذکر کرده. حلی پس از قول کشی و نجاشی در مورد او، می‌گوید: لفظ «ابی» بین حسین و حمزة ساقط شده است و جایز است که او فرزند فرزند ابی حمزة باشد و نسبتش با ابی حمزة غلبه یافته باشد. در هر حال این مرد نزد من مقبول الروایة است.
۱۵	الحسین بن زرارة بن أعین الکوفی: ذکرة الکشی فی رجال جعفر الصادق. ۷	روایتی از او نقل شده که از قول پدرش «زرارة» مطالبی را برای امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر می‌کند و امام نیز خیر دنیا و آخرت را برای پدرش می‌خواهد و رضایت خود از پدرش را بیان می‌دارد. * توضیح: مطالب زیادتر و متفاوت از آنچه که عسقلانی آورده است.	برقی و طوسی او را از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> ذکر کرده‌اند.
۱۶	الحسین بن صالح الخثعمی (ز): ذکرة الکشی فی رجال الشیعة. ۱۰	ذیل عنوان «حمزة بن بزيع» روایتی از حسین بن صالح نقل شده است.	طوسی او را از اصحاب امام رضا <small>علیه السلام</small> ذکر کرده است.

آنچه که از مجموع مطالب ذکر شده در سه جدول فوق حاصل گردید، عبارت است از:

۱. از احوال مجموع ۶۶ راوی که عسقلانی در لسان المیزان به نقل از کشی آورده است، تنها از احوال شانزده راوی در رجال الکشی سخن به میان آمده است که این مقدار «(۲۴/۲۵)»

۱. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۷۵.
۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۴۴۹.
۳. رجال الطوسی، ص ۳۳۴؛ خلاصة الأقوال، ص ۴۹.
۴. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۸۰.
۵. اختیار معرفة الرجال، ص ۴۰۶.
۶. رجال النجاشی، ص ۵۴؛ رجال الطوسی، ص ۱۸۲ و ۱۹۶؛ الفهرست، ص ۱۴۴؛ خلاصة الأقوال، ص ۵۰.
۷. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۸۴.
۸. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۴۱.
۹. رجال البرقی، ص ۲۶؛ رجال الطوسی، ص ۱۹۵.
۱۰. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۸۷.
۱۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۶۱۵.
۱۲. رجال الطوسی، ص ۳۵۶.

أبی طی» بدون این که نامی از منبع خود بیاورد. در این گونه موارد، علاوه بر آن که نام کتاب ابن أبی طی مشخص نیست، بیان گرایین مطلب نیز است که ابن أبی طی شرح حالی از آن راوی نیاورده و فقط نام او را ذکر کرده است؛ به عنوان نمونه، ابن حجر در شرح حال ابراهیم بن بشیر الرازی می گوید:

روی عنه علی بن العباس بن الواقد وقال كان أدیباً شاعرًا له الإرشاد فیما یلزم العباد
مجلد وله غیر ذلك من التصانیف علی مذهب الشیعة الامامیة ذکره بن أبی طی.^۱

چنانچه در مواردی دیگر از این دست، ابن حجر به نام کتاب ابن أبی طی نیز اشاره می کند.^۲
دو. مواردی که عسقلانی علاوه بر آن که خود شرح حالی از راوی بیان می کند، اطلاعاتی را هم از جانب ابن أبی طی ارائه می دهد؛ به عنوان نمونه، در شرح حال أسامة بن أبی أسامة أحمد بن محمد بن محمد بن أبی أسامة الحلبي می گوید:

اللغوی أخذ عن أبيه وجده والعین رزی و غیرهم و صنف کتاباً فی الألفاظ و كان عالماً
بالعربیة فاضلاً ذکره بن أبی طی فی رجال الإمامیة و قال مات بعد الثمانین و أربع مائة.^۳

سه. در مواردی نیز عسقلانی تنها نام راوی را می آورد و سپس مطالبی را که ابن أبی طی در مورد راوی بیان کرده را ذکر می کند؛ به عنوان نمونه، در شرح حال ادریس بن سالم بن محمد الموصلی می گوید:

قال بن أبی طی ثقة من رجال الشیعة و علمائها صنف المنهاج فی الإمامة و شرح قصیة
السید الحمیری و كان فی المائة السادسة.^۴

سخن در این است که عسقلانی در خصوص مطالبی که از ابن أبی طی آورده می گوید: «آن را ابن أبی طی در کتابش ذکر کرده است» و یا «آن را ابن أبی طی ذکر کرده» یا «آن را از خط ابن أبی طی نقل می کنم» نیز «آن را به صورت خلاصه از کتاب ابن أبی طی نقل می کنم» و یا «آن را به خط ابن أبی طی خواندم»؛ یعنی عسقلانی در لسان المیزان در نقل قول های خود از

۱. همان، ج ۱، ص ۴۰؛ نیز ج ۱، ص ۳۸۲ و ۴۲۹؛ ج ۶، ص ۱۸۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۵۳؛ نیز ج ۱، ص ۴۶۰؛ ج ۲، ص ۶۰-۲۷۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۴۲؛ نیز ج ۱، ص ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۱۵، ۴۳۱، ۴۴۳، ۴۴۹، ۴۸۴؛ ج ۲، ص ۱۰۶، ۱۱۰، ۲۶۷،

۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶ و ۳۱۲؛ ج ۳، ص ۴۰۴؛ ج ۴، ص ۲۲۳؛ ج ۵، ص ۳۱۰ و ۳۱۷؛ ج ۶، ص ۱۹۶ و ۲۱۸.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۳۳؛ نیز ج ۱، ص ۳۶۰، ۳۷۹، ۳۸۳ و ۳۹۲؛ ج ۲، ص ۸۲، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۷، ۲۷۳، ۲۷۵،

۲۷۵، ۲۷۶ و ۲۷۶؛ ج ۳، ص ۲۴۰.

ابن ابی طی همواره بر این مطلب تأکید داشته است که نام او را بیان کند. حال چگونه ممکن است، عسقلانی منقولات خود از رجال الکشی را از کتاب ابن ابی طی جدا کرده باشد و با عبارت‌هایی نظیر «ذکره أبو عمرو الکشی» و «ذکره الکشی» به خود کشی نسبت داده و بدون اشاره به منبع اصلی (کتاب ابن ابی طی) و مؤلفش، به صورت مجزا بیاورد؟ بر این اساس، این که عسقلانی منقولات خود از کشی را از نسخه‌ای که از رجال الکشی در اختیار داشته بیان کرده باشد، احتمالی است که جُزاین، منطقیاً صحیح به نظر نمی‌رسد.

۶ - ۲. منابع مورد استفاده عسقلانی از ابن ابی طی

عسقلانی در لسان المیزان در اغلب موارد، منقولات خود از ابن ابی طی را همراه با نام منبع ذکر کرده است. عناوین کتاب‌های ابن ابی طی که مورد استفاده عسقلانی قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از:

۱. رجال الامامية^۱،
۲. رجال الشيعة^۲،
۳. كتاب الإمامية^۳،
۴. شیوخ الشيعة: «ذکره ابن ابی طی فی شیوخ الشيعة»^۴،
۵. شيعة الإمامية: «ذکره ابن ابی طی فی الشيعة الإمامية»^۵،
۶. رجال الشيعة الإمامية: «ذکره ابن ابی طی فی رجال الشيعة الإمامية»^۶،
۷. تاريخ^۷،
۸. الإمامية^۸،
۹. مصنف^۹.

این در حالی است که است که عسقلانی در لسان المیزان به نقل از یاقوت حموی، شرح

۱. همان، ج ۱، ص ۳۴۲؛ ج ۲، ص ۲۷۳ و ۲۷۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۶۰، ۳۷۹، ۳۸۲ و ۴۸۴؛ ج ۲، ص ۶۰، ۸۲، ۱۰۶، ۱۴۰، ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶ و ۳۱۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۷۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۶۶.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۷۵.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۷۵.

۷. همان، ج ۵، ص ۳۱۰.

۸. همان، ج ۱، ص ۳۵۳؛ ج ۳، ص ۲۴۰؛ ج ۶، ص ۱۹۶ و ۲۱۸.

۹. همان، ج ۱، ص ۴۶۰.

حال ابن ابی طی را نیز گزارش کرده است و ضمن برشمردن برخی تألیفاتش، از کتاب الحاوای فی رجال الامامیه نیز نام برده و در ادامه می گوید:

قلت ووقف علی تصانیفه و هو کثیر الأوهام و السقط و التصحیف.

لذا مشخص است که عسقلانی کتاب الحاوای ابن ابی طی را می شناخته و آن را در اختیار داشته؛ چراکه می گوید: «ووقف علی تصانیفه» و نمی گوید: «ووقف علی بعض تصانیفه». از طرفی، عسقلانی در گزارش های خود از ابن ابی طی، نامی از کتاب الحاوای نبرده، بلکه از کتاب های دیگر او استفاده کرده است. پس نمی توان گفت که عسقلانی منقولات خود از رجال الکشی را به واسطه کتاب الحاوای ذکر کرده باشد؛ چرا که به نظر این کتاب مورد استفاده عسقلانی قرار نگرفته است و اگر این کتاب مرجع او در منقولاتش از رجال الکشی بود، طبق عادتش حداقل یک مرتبه به نام ابن ابی طی و کتاب الحاوای اشاره ای می کرد. جعفریان می گوید:

در منابع نام هایی چون: «رجال الشیعة»، «تاریخ الامامیه»، «طبقات الامامیه»، «الحاوای فی رجال الامامیه»، «رواة الشیعة و مصنفیها» «تاریخ العلماء» آمده که به احتمال زیاد همگی عنوان یک کتاب هستند. به نظر می رسد، نامی که یاقوت آورده، یعنی همان «الحاوای فی رجال الامامیه»، از همه دقیق تر باشد.

جعفریان خود نام الحاوای فی رجال الامامیه را برای کتاب آورده که ترکیبی است از دو عنوان «رجال الشیعة» و «رجال الامامیه» و در جایی دیگر نیز عنوان «طبقات الامامیه» را ذکر کرده که ریشه در نظریه او در یکسان بودن عناوین کتاب دارد.^۱ البته سیستمی نیز از کتاب با عنوان «الحاوای فی طبقات الامامیه» نام برده است.^۲ در نقد کلام جعفریان باید گفت: یک. جعفریان خود این مطلب را با قاطعیت بیان نکرده، بلکه آن را تنها یک احتمال شمرده است.

دو. بعید است رجالی خبره ای چون عسقلانی، در خصوص ذکر نام یک منبع تا این اندازه کلامشان دچار اضطراب و پراکنده گویی باشد و هر بار از روی تفنن، یک منبع را با عنوانی متفاوت یاد کند؛ ضمن این که این عناوین، توسط برخی به صورت کتابی مجزا برای ابن ابی طی گزارش شده است. ابن شاکر کتبی، عنوان «تاریخ العلماء» و «أسماء رواة الشیعة و

۱. الحاوای فی رجال الشیعة الامامیه، ص ۳۴-۳۵.

۲. قبسات فی علم الرجال، ج ۱، ص ۱۷۳.

مصنفيها» را تفكيك کرده است.^۱ فکرت نیز «الحاوی فی رجال الأمامية»، «طبقات الأمامية» و «تاریخ العلماء» را عناوینی مجزا ذکر کرده است.^۲

سه. تفاوت این عناوین از چند جهت مشخص است:

۱. عنوان الحاوی فی رجال الامامية نظربه راویان امامی مذهب (معتقد به دوازده امام) دارد، ولی در عنوان «رجال الشيعة» راویان شیعه به طور عام (زیدی، واقفی، فطحی و...) ذکر شده است.

۲. عناوینی که لفظ «رجال» در آن‌ها آمده ناظر به علم رجال هستند؛ در حالی که عناوین «تاریخ الأمامية» و «تاریخ العلماء» به دانش تراجم هم مربوط می‌شوند.

۳. عنوان «رواة الشيعة و مصنفيها» ناظر به موضوع فهرست نگاری نیز هست، مطلبی که از عناوین «رجال الشيعة» یا «الحاوی فی رجال الأمامية» برداشت نمی‌گردد.

۷. پیشنهادهای پژوهشی

* متأخران و معاصرین اهل تسنن چه رویکردی به منقولات عسقلانی از منابع تشیع دارند؟
* چرا عسقلانی به گزارش از مصادر شیعه در لسان المیزان نسبت به دیگر آثارش، بیشتر توجه داشته است؟

* لسان المیزان، از جمله منابع رجالی اهل سنت درباره راویان ضعیف است،^۳ آیا عسقلانی با گزارش از راویان شیعه، قصد نقد و طعن به تشیع را در داشته؟
* گزارش‌های عسقلانی از رجال الکشی، اغلب در اختیار معرفة الرجال امروزی یافت نمی‌شوند. آیا گزینش طوسی موجب حذف این مطالب شده است؟
* عسقلانی از چه روی در لسان المیزان از کتب ابن ابی طی بهره برده، حال آن‌که خود می‌گوید: «وقفت علی تصانیفه و هو کثیر الأوهام و السقط و التصحیف»؟

نتیجه

از کتاب رجال الکشی، شیخ طوسی کتابی را با نام اختیار معرفة الرجال استخراج نمود. به واسطه این استخراج و به مرور زمان، اصل کتاب کشی از بین رفت. همواره دغدغه‌هایی بین

۱. فوات الوفيات، ج ۴، ص ۲۶۹-۲۷۱.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۱۴۵۸.

۳. دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۸۲.

رجالیون در بازسازی و بازآفرینی اصل رجال الکشی بوده است. از این بین، بعضی رجالیون نقل قول‌هایی از کشی دارند که مشخصاً در اختیار معرفة الرجال موجود نیست. این فقرات می‌تواند در بازآفرینی رجال مفقود کشی به کار آید؛ از جمله عسقلانی در لسان المیزان فقرات متعددی از رجال الکشی نقل نموده که در اختیار معرفة الرجال موجود نیست. بعضی دانشیان رجال متاخر بر این باورند که ابن حجر به واسطه ابن ابی طی و کتاب الحاوی او، به نقل از رجال الکشی پرداخته است. این مقاله ضمن تحلیل داده‌ها و گزارش‌های عسقلانی از ابن ابی طی و نیز مقایسه بین آن‌ها، به این گزاره متمایل شده است که فرضیه نقل واسطه عسقلانی (ابن ابی طی) از رجال الکشی صحیح نبوده و عسقلانی خود گزارش‌های موجود را از نسخه‌ای که از اصل رجال الکشی داشته، نقل نموده است. از این رو، گزارش‌های عسقلانی می‌تواند به عنوان منبعی مستقل و معتبر در بازآفرینی رجال الکشی به کار آید. همچنین مشخص گردید که از احوال مجموع ۶۶ راوی که عسقلانی در لسان المیزان به نقل از کشی آورده است، تنها از احوال شانزده راوی در اختیار معرفة الرجال سخن به میان آمده است که این مقدار «۲۴/۲۵» درصد از مجموع راویان را شامل می‌شود. همچنین از احوال پنجاه راوی که در لسان المیزان به نقل از کشی آمده است، در اختیار کنونی سخنی به میان نیامده که این مقدار نیز «۷۵/۷۵» درصد از مجموع راویان را شامل می‌شود. تفاوت تعابیر به کار رفته در مورد شانزده راوی مذکور نیز مطلب دیگری بود که از مقایسه منقولات عسقلانی و مطالب موجود در اختیار کنونی حاصل گردید.

کتابنامه

اختیار معرفة الرجال، محمد بن عمر کشی، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.

اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، محمد راغب حلبی، تحقیق: محمد کمال، حلب، دارالقلم، ۱۴۰۹ق.

الأعلاق الخطیرة فی ذکر امراء الشام و الجزيرة، محمد بن علی بن شداد، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

الانوار الساطعة فی المائة السابعة، محمد محسن آقابزرگ تهرانی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

الحاوی فی رجال الشیعة الامامية، رسول جعفریان، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۹ش.

الرجال، احمد بن حسین غضائری، تحقیق: محمدرضا حسینی، قم: دارالحدیث، ۱۳۶۴ش.

الرجال، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۵ش.

الرجال، احمد بن محمد بن خالد برقی، تصحیح: حسن مصطفوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.

الرجال، حسن بن علی بن داود، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.

الرجال، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ ش.

الرواشح السماویة، محمدباقر حسینی استرآبادی، تحقیق: غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت‌الله جلیلی، ج ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.

الصحیح، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق.

الصحیح، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

الفهرست، محمد بن حسن طوسی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.

المسند، احمد بن حنبل، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ ق.

آشنایی با کتب رجال شیعه، محمدکاظم رحمان ستایش، تهران: انتشارات سمت و دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۵ ش.

بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، محمدکاظم رحمان ستایش، محمدرضا جدیدی نژاد، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش.

تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی زبیدی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

تأویل مختلف الحدیث، عبدالله بن مسلم بن قتیبة، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.

تذکره الحفاظ، شمس الدین ذهبی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.

تفسیر و مفسران، محمدهادی معرفت، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۸۸ ش.

تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، تهران: انتشارات جهان، بی تا.

خاتمه مستدرک الوسائل، حسین نوری، قم: مؤسسه آل‌البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۵ ق.

خلاصة الاقوال، حسن بن یوسف حلی، نجف: دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.

دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، محمدرضا جدیدی نژاد، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۱ ش.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، محمدآصف، فکرت، بی جا: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، بی تا.

رجال تفسیری، عبدالله جوادی آملی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۳ ش.

رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين، احمد بن محمد ابوغالب زراري، قم: مركز البحوث و التحقيقات الإسلامية، ۱۳۶۹ ش.

شرح نهج البلاغه، عزالدین بن ابی‌الحدید، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار

احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ق.

صورة الأرض، محمد بن حوقل، ترجمه و توضیح: جعفر شعار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ش.

طبقات الحفاظ، جلال‌الدین سیوطی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق.

فوات الوفيات، محمد بن شاکر کتبی، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دارصادر، ۱۹۷۴م.

قبسات فی علم الرجال، سید محمدرضا سیستانی، تحقیق و تنظیم: سید محمد بکاء، بیروت: دار المورخ العربی، ۱۴۳۷ق.

لسان‌المیزان و المصادر الرجالیة فی المدرسة‌الأمامیة، محمداقر ملکیان، مجله تراثنا، ش ۱، ۱۴۳۸ق، ص ۲۷ تا ۸۳.

لسان‌المیزان، احمد بن علی عسقلانی، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.

مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ش.

مجمع الرجال، عنایت‌الله قهپایی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

مسالك و ممالک، ابراهیم اصطنخری، به اهتمام: ایرج افشار، تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸ش.

وفیات‌الأعیان، احمد بن محمد بن خلکان، بیروت: دارصادر، ۱۹۰۰م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی